

تبارشناسی بانوی نشسته بر کشتی نوح (ع) در نگاره‌های اسلامی

تقی حمیدی‌منش^{۱*}، ناهید جعفری دهکردی^۲

چکیده

یکی از اساطیر قدیمی بشری داستان توفان است. این اسطوره از سرآغاز پیدایش خود تاکنون توجه هنرمندان را در فرهنگ‌های مختلف به خود جلب کرده است. در اکثر قریب به اتفاق تصاویر مرتبط با توفان، بانویی در میان سرنشینان کشتی به چشم می‌خورد که شخصیت و حضور او در هاله‌ای از ابهام است. این پرسش که هویت بانوی نشسته بر کشتی نوح (ع) چیست مسئله‌ای است که نگارندگان تلاش دارند با مطالعات اسنادی و تطبیق ۲۹ تصویر از فرهنگ‌های مختلف در این زمینه بدان پاسخ گویند. یافته‌ها با هدف شناخت تبار کهن‌الگوی «بانوی نشسته بر کشتی نوح»، در نگاره‌های اسلامی، مسیحی و ماقبل آن نشان می‌دهد که تصویر بانوی نشسته بر کشتی نوح، که در متون اسلامی با نام «والهه» شناخته می‌شود، از تمدن میان‌رودان تا هنر مذهبی و حتی غیرمذهبی معاصر، یکی از کهن‌الگوهای قدیمی بشری محسوب می‌شود و به‌رغم شخصیت غیرمذهبی این بانو در جهان اسلام، وارد هنر اسلامی نیز شده است. اثرگذاری و اهمیت این کهن‌الگو تا بدان حد بوده که وارد جهان تشیع نیز شده و با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، شخصیت ممتاز و الهی حضرت فاطمه (س) در قالب این الگو نشان داده شده است.

کلیدواژگان

اسطوره توفان، هنر شیعی، شمایل‌نگاری، نوح (ع)، زن حضرت نوح

۱. عضو هیئت علمی و مربی گروه ارتباط تصویری، دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)
Hamidimanes@basu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان دانشکده پژوهش‌های عالی و کارآفرینی
Jafari.nahid20@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

مقدمه

اسطوره آشفتگی اولیه جهان، در اکثر فرهنگ‌ها و مذاهب جهانی وجود دارد. بنا بر این اسطوره، جهان در آغاز تکوین خود با آشفتگی و بی‌نظمی بزرگی روبه‌رو بوده است. توفان نوح اگرچه روایتی از آغاز شکل‌گیری جهان نیست، بنا به انقطاع و انفصالی که در جریان زندگانی روی زمین پدید می‌آورد، مرحله‌ای بسیار مهم در اسطوره‌شناسی تطبیقی فرهنگ‌های مختلف است. تصمیم خدایان و سروران جهان برین برای تنبیه انسان یا انقطاع نسل وی، با التفات خدای واحد یا یکی از ایزدان همراه می‌شود و قهرمان داستان، یا همان پیامبر، موفق به حفظ نوع انسان، حیوانات و رستنی‌ها از خشم آنان می‌شود. پیش از کشفیات باستان‌شناسی چند سده گذشته، معمولاً روایت اولیه توفان را منشعب از ادبیات مذهبی سامیان می‌پنداشتند؛ اما با رویدن غبار فراموشی از تمدن‌های بزرگ خاورمیانه باستان مشخص شد که این اسطوره در هزاران سال پیش از پیدایش اولین متون مذهبی بنی‌اسرائیل ریشه دارد. متون سومری و اکدی یافته‌شده حکایت از این دارد که احتمالاً سومریان نخستین کسانی بوده‌اند که داستان توفان را آفریده‌اند و به دیگر فرهنگ‌ها و ملت‌ها منتقل کرده‌اند. این اسطوره در قالب مذهبی خود نسل‌به‌نسل به ادیان بعدی منتقل شد و سرانجام دین مبین اسلام بر آن صحنه گذارد. تصویرگری اسطوره نوح را می‌توان پایه‌پای روایت کتبی آن ردیابی کرد. زیبایی و خلاقیتی که در پردازش و شکل‌گیری داستان وجود داشته است، هنرمندان را بر آن می‌داشته که این موضوع را زینت‌بخش کتاب‌های خود کنند یا آثاری مستقل از آن به زبان رنگ‌ها بیافرینند.

در تصویرسازی توفان نوح، از همان آغاز شکل‌گیری اسطوره تاکنون، یک کشتی با جماعت بازمندگان ترسیم می‌شده است که به آن‌ها فرصت زندگی و انتقال نسل انسان (و حیوانات) به جهان جدید داده شده است. با مقایسه تطبیقی این تصاویر متوجه می‌شویم بانویی در عرشه جلویی کشتی یا قایق نشسته است. در بیشتر متونی که حادثه را بازگو می‌کنند، این شخص زن قهرمان داستان (در ادیان سامی: نوح پیامبر) است. اما شخصیت دوگانه این زن، که به آن خواهیم پرداخت، تعیین و تشخیص آن را در هنر اسلامی با مشکلاتی مواجه کرده است: آیا هنرمندان مسلمان در حین ترسیم عناصر تصویری و اشخاص آگاه بوده‌اند که در حال نقاشی چهره زن پیامبرند یا اینکه آنان با پیروی از الگوهای هنری قدیمی دست به این کار می‌زده‌اند؟ پاسخ هرچه باشد، گویای آن است که نگاره‌های توفان در جهان اسلام و حتی فراتر از آن از متن داستان و روایت رسمی آن تبعیت نکرده‌اند.

موضوع نگاره‌ها و تصاویر توفان جهانگیر باستانی هنگامی جالب توجه می‌شود که می‌بینیم هنرمندان حتی در ترسیم دیگر تصاویر «کشتی و سرنشینان»، که هیچ پیوندی با داستان توفان ندارد، باز از آن الگوی هنری پیشین پیروی کرده‌اند: یک کشتی و تعدادی سرنشین که یکی از صدرنشینان آن یک بانوست و باز جالب‌تر اینکه حتی زمانی که این بانو از تصاویر حذف شده است، جای آن را جوانی زیباروی اشغال کرده است.

در این مقاله، سعی بر این است الگوی هنری بانویی که از زمان شکل‌گیری ماجرای توفان تاکنون کشیده شده‌اند مورد کاوش و کنکاش قرار گیرد. هویت بانوی نشسته بر کشتی نوح(ع) مسئله‌ای است که در این گفتار بر پایه مطالعات اسنادی به آن پرداخته می‌شود. بر این اساس، به استناد آثار بازمانده از هنرمندان مختلف از میان‌رودان، مصر باستان، فینیقیان، مسیحیان و مسلمانان، جامعه آماری‌ای متشکل از ۲۹ تصویر انتخاب شده که به روش تطبیقی و تحلیلی بررسی شده‌اند.

اگر روایت اصلی توفان را برگرفته از یک بن‌مایه بدانیم، شواهد و قراین بسیاری وجود دارد که تصویرنگاری‌های آن را هم‌امدار همدیگر بدانیم. اکثر سنگ‌نگاره‌ها، تصاویر، نقاشی‌ها و نگاره‌های توفان نوح از یک الگوی واحد فکری تبعیت می‌کنند؛ به طوری که می‌شود استقلال موضوع تصاویر را از متن اصلی تا حد زیادی سنجید. شکل کشتی، محل قرارگیری قهرمان، محل‌های نگهداری حیوانات و پرنده‌ای که در پایان به جست‌وجوی خشکی گسیل می‌شود در تعداد زیادی از این آثار مشترک‌اند. مهم‌ترین نماد و عنصر حاضر در کشتی نوح بانویی است که بر پشت سر قهرمان/ نبی نشسته و چشم بر افق دوخته است. این بانو نمادی از نجات نوع انسان و تناسل او در فردای پس از توفان است؛ او همسر نوح(ع) یا شاید همسر اصحاب وی یا حتی بانویی پرهیزگار باشد که شایسته نجات بوده است؛ اما آنچه جلب توجه می‌کند، حفظ شکل و شمایل وی در طی هزاران سال روایت توفان است. حتی در دوره اسلامی، که شمایل انبیا و خاندان آنان را بسیار متمایز به تصویر می‌کشیدند و مدت‌ها گذشت تا چهره وی به حجاب اسلامی مزین شود، باز همان وضعیت خود را تا حد زیادی حفظ کرد.

کهن‌الگوها، که یونگ- روان‌شناس نامدار سده بیستم- واضع نظریه آن است، عناصر دائمی ذهن ناهوشیارند که وجود آن‌ها نشان می‌دهد هر انسان متمدنی با وجود تحول بالای هوشیاری در وی، هنوز در عمیق‌ترین سطوح روان خود انسانی باستانی است [۶، ص ۱۶۸]. چنان‌که فروید درباره حکایت‌های مختلف منسوب به سارگن، موسی(ع) و برخی از شخصیت‌های نامدار تاریخی مبنی بر رهسپار شدن آنان در سبیدی روی آب عنوان داشته است و آن‌ها را استعاره‌ای از زهدان مادر و مایع جنینی دانسته [۱۲، ص ۶]، ممکن است اسطوره توفان نیز در همین زمینه قابل تفسیر و توضیح باشد و علت فراگیر بودن آن را در میان ملت‌های مختلف توجیه کند.

اسطوره توفان

اسطوره توفان از این روی که در میان فرهنگ‌های مختلف بشری با اندک تفاوت‌هایی دیده می‌شود، موجب شگفتی پژوهش‌گران است. این افسانه در میان ایرانیان، سومریان، اکدی‌ان، هندوان، یونانیان، آرامنه و یهودیان نیز دیده می‌شود. به گفته یکی از مورخان، داستان توفان حتی بیشتر از «داستان آفرینش» در میان همه مردم جهان انتشار دارد. در میان اقوام قدیم،

کمتر قومی را می‌توان یافت که آن را ندانسته باشد و در آسیا کمتر کوهی است که روزی کشتی نوح(ع) یا اوت‌نپیش تیم^۱ بر آن قرار نگرفته باشد [۹، ص ۳۸۴].

ایران

در افسانه ایرانی توفان، اثری از کشتی و سیل وجود ندارد. در این افسانه، جم یا جمشید آگاه می‌شود که توفانی زمستانی در پیش است و طی آن بیم انقراض زندگانی روی زمین وجود دارد. بدین جهت، او دژی زیرزمینی می‌سازد و نمونه‌هایی از جانوران و تخم‌های گیاهان را بدانجا می‌برد و پس از فرا آمدن بهاری نو، دژ را برای گستراندن زندگی روی زمین ترک می‌کند. وجود مشابهت‌هایی بین این افسانه و روایت مشابه آن در اساطیر اسکاندیناوی، امکان وجود ریشه مشترک هندواروپایی داستان را محتمل می‌کند [۲۱، ص ۵۵]. در *وندیداد*^۲ شرحی نسبتاً رسا از این واقعه وجود دارد و توفان و قلعه جمشید با آب شدن یخ‌های زمستانی مرتبط شده است [۸، ص ۸۰]. در اسطوره یونانی توفان، دئوکالیون^۳ نجات‌دهنده گونه مردم است. براساس این داستان، زئوس بر آن می‌شود که مردم عصر مفرغ را نابود کند. خدای بزرگ یونانیان توفانی بزرگ روانه می‌کند و انسان‌ها در معرض نیستی قرار می‌گیرند؛ اما پرومته این بار نیز بشر را از خطر وامی‌رهاند و دئوکالیون و همسرش، پیرا، را راهنمایی می‌کند که کشتی یا صندوق بزرگی بسازند و خشم زئوس^۴ را پشت سر بگذارند [۱۵، ص ۲۵۰]. کشتی آنان سرانجام بر فراز کوه پارناکوس فرود می‌آید و آن دو موجب نجات بشریت می‌شوند. روایت مصری اندکی غامض و گسیخته و مرتبط با داستان آفرینش نیز است؛ اما روایت بنی‌اسرائیلی توفان، که برگرفته از خاستگاه سومری است، معروف‌تر از سایر روایات است. این روایت با تغییراتی اندک در کتاب مقدس مسلمانان، قرآن، نیز یاد شده و همین امر توجه هنرمندان را برای آفرینش آثار هنری گوناگون و زیبایی از آن به خود مشغول داشته است. امروزه، داستان توفان نمادی از بازگشت آرامش و تجدید حیات روی زمین انگاشته شده و کبوتری که برگ زیتون را با خود آورده بر نشان برخی سازمان‌های مهم بین‌المللی خودنمایی می‌کند.

میان‌رودان

روایت کهنی که در آن از آغاز یک توفان مهیب و بنیان‌کن در جهان سخن گفته می‌شود، در نخستین آثار نگارش‌شده بشری ریشه دارد. در منظومه حماسی گیلگمش سومری، قهرمان

1. Utnapishtim
2. *Vendidad*
3. Deucalion
4. Zeus

داستان در جست‌وجوی آب زندگانی یا راز بی‌مرگی به دیدار یک از شخصیت‌های اساطیری سومریان می‌رود. کتیبهٔ یازدهم از داستان گیلگمش به شرح این ماجرا می‌پردازد. این کتیبه بنا به دلایلی در متن حماسه گنجانده شده و به کتیبهٔ توفان نیز مشهور است.

در این داستان، گیلگمش در دیدار با اوت‌نپیش تیم (که همان نوح سومری است) از این شگفت‌زده است که به‌رغم شباهت‌های موجود بین هر دو، اوت‌نپیش تیم به بی‌مرگی و نامیرایی دست یافته، ولی او با مرگی بی‌امان روبه‌روست. اوت‌نپیش تیم در پاسخ گیلگمش داستان توفان بزرگ را برایش بازگو می‌کند که چگونه خدایان بر آن می‌شوند انسان را تنبیه کنند. یکی از ایزدان تصمیم خدایان را به اوت‌نپیش تیم خبر می‌دهد و از او می‌خواهد قایقی بسازد: «خانه‌ات را برچین و یک قایق بساز. اموالت را رها کن و به جست‌وجوی موجودات زنده در آی. اموال شخصی‌ات را بگذار و زندگان را نجات ده. تخم همهٔ چیزهای زنده را در قایق بگذار» [۱۷، ص ۶۶]. اوت‌نپیش تیم بدین ترتیب قایقی می‌سازد و آن را با سیم و زر و تخم همهٔ موجودات زنده پر می‌کند و دوستان و آشنایان خود و افزارمندان را هم در آن سوار می‌کند. اندکی بعد، توفان شروع به وزیدن می‌کند و امواج سهمگین سیل همهٔ خشکی‌ها را در خود فرومی‌برد. شش روز و شش شب توفان به وزیدن ادامه می‌دهد و همهٔ باشندگان زمین را در کام مرگ فرومی‌برد. روز هفتم، سیل و توفان فروکش می‌کند و قهرمان داستان با فرستادن چند پرنده به کنکاش برمی‌آید که آیا خشکی‌ها سر از آب بیرون آورده‌اند یا نه [۲۲، ص ۱۶۳]. بخش‌های زیادی از این اسطوره با داستان نوح نبی(ع) در ادیان سامی مطابقت دارد؛ اما برخی تفاوت‌های عمده در بین آن‌ها موجود است. در متن سومری، قهرمان با چیرگی بر توفان و ارادهٔ خدایان بدخواه نوع مردم به جاودانگی و امردادی دست یافته است؛ اما در روایت سامی، نوح(ع) پس از طی عمری دراز، سرانجام جهان را ترک می‌کند. مابین روایت اولیهٔ داستان توفان و روایت‌های متأخری که گویا از آن منشعب شده‌اند، اسطورهٔ اتره‌خسیس^۱ قرار دارد. اکدیایان وارثان همهٔ دستاوردهای فرهنگی و شهرنشینی سومریان بودند و ادبیات و اساطیرشان نیز کاملاً از آنان ملهم بود. روایت اتره‌خسیس نیز به همین ترتیب برگرفته از همان داستان اولیهٔ توفان است. انکی یا انا ایزد سومری کسی بود که فرا آمدن توفان را به اوت‌نپیش تیم بازگفت تا نوع انسان و زندگانی را از خشم آنان وارهاند. این کار او یادآور فداکاری پرومته در اساطیر یونانی است که آتش را از خدایان دزدید و به انسان پیشکش کرد و از این روی با فرجام ناگواری روبه‌رو شد. انکی در اساطیر سومری ایزد آب‌های شیرین و خردورزی شمرده می‌شد. این الهه ایزد حامی شهر اریدو نیز محسوب می‌شد [۱۰، ص ۲۵۲]. در نخستین تصویر مرتبط با توفان جهانگیر، که از یک مهر استوانه‌ای سومری به‌دست آمده است، انکی در کنار اوت‌نپیش تیم دیده می‌شود. در کنار وی، یکی از ایزدبانوان سومری به چشم می‌خورد. این ایزدبانو احتمالاً همان اینانا یا ایشتر باشد که

1. Atrahasis

نقش مهمی در اساطیر سومری دارد. کنار وی تصویری از درخت حیات دیده می‌شود. وجود این درخت با جاودانگی و عمر جاوید اوت‌نپیش تیم نیز مرتبط است. تصویر موجود می‌بایست این ایزدبانو، نخستین نمود بانوی نشسته بر کشتی، باشد. در این تصویر، قهرمان داستان توفان در میان قایق خود جای گرفته و سایر خدایان نیک‌اندیش نیز بر دور او دیده می‌شوند. پرنده‌ای که بر بالای سر وی به پرواز درآمده است احتمالاً بیانگر ارتباط این تصویر با بخش پایانی داستان و فرارسیدن دوران آرامش باشد.



تصویر ۱. انکی، ایزدبانو و اوت‌نپیش تیم در نخستین تصویر مرتبط با توفان نوح (ع) [۴۸]

مصر باستان

اسطوره‌شناسی مصر باستان از دریای محیطی آغاز می‌شود که بدان نون^۱ می‌گفتند. از نظر آنان، این اقیانوس بزرگ آشفته و تاریک سرآغاز زندگانی روی زمین بود. نون در زبان مصری به معنای آب بود و خدای آمون نیرویی بود که این اقیانوس را به حرکت درمی‌آورد. نون را در قالب خدایی با هیئت مردی ریشدار و گاهی با سر غوک، سوسک یا ماری مجسم می‌کردند که تا کمر در آب ایستاده و زورقی را نگاه داشته است. کشتی یا زورقی که نون نگاهبان آن بود متعلق به خورشید بود و در داخل آن خورشید به صورت گویی مدور دیده می‌شد [۳، ص ۵۳]. خورشید برنشسته بر زورق در دریای آشفته و توفانی نون، خدای بزرگ مصریان، بود که بدان رع می‌گفتند. رع ایزدبانویی بود که با خورشید مقارن بود یا وظیفه وی به پیش راندن گوی خورشید در آسمان بود تا جهان را روشن کند (تصویرهای ۲ و ۳). درباره تبار و زایچه وی اسطوره‌های مختلفی حکایت می‌شد. یکی از این اسطوره‌ها حکایت از آن داشت که رع فرزند نون است و هر بامداد از درون گلبرگ‌های نیلوفر آبی در پهنة اقیانوس نون پدیدار می‌شد و پس از گزاردن وظیفه خود در پیش راندن خورشید، شامگاه در گلبرگ‌های همان نیلوفر می‌غنود.

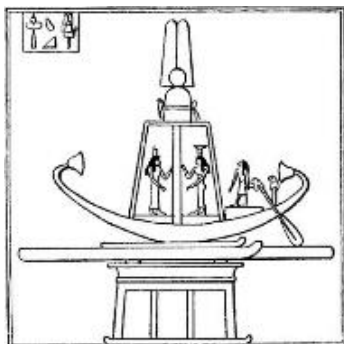
1. Nun



تصویر ۳. رع بر زورق خویش [۴۴]

تصویر ۲. رع بر زورق خویش [۴۷]

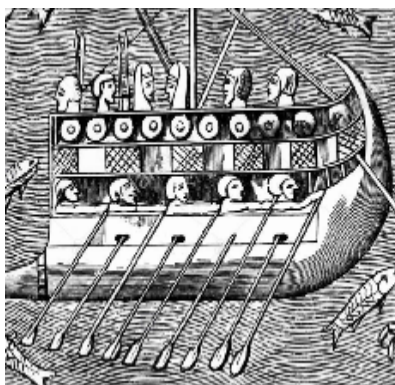
شکل ایزدبانوی رع در نقاشی‌های مصری گاه به صورت دایره‌ای بود که همان قرص خورشید بود و گاه هم او را با تصاویر انسانی یا کالبدهایی نیمه‌انسانی و نیمه‌حیوانی نشان می‌دادند. اسطوره‌های دیگر از رع می‌گویند که زورق وی زمانی که او برای پرستاری یکی از خدایان می‌رود، از حرکت بازمانده بوده و بیم نابودی جهان و همهٔ آفریده‌های ایزیس می‌رفته است؛ اما با حرکت دوبارهٔ زورق وی، دگرباره زندگی از سر گرفته شده است [۳، ص ۸۸]. این اسطوره و چند اسطورهٔ دیگر جان‌یابی‌های مکرر خود رع و جهان را بازگو می‌کنند که بی‌ارتباط با نگهداری هستی از طریق اوت‌نپیش تیم سومری نیست. مقام شکوهمند رع در اوج آسمان متقارن با مقام فرعون شمرده می‌شد که نمایندهٔ وی روی زمین بود. فراعنهٔ مصر برای بالابردن قدرت فرمانروایی خویش خود را به رع منسوب می‌دانستند و او را حامی دودمان فرمانروایی خویش برمی‌شمردند؛ به طوری که نیایش رع در آغاز مختص به خود فرعون بود و مدت‌ها طول کشید تا مردم مصر نیز به پرستش وی بپردازند [۳، ص ۶۳]. تطابق و تقارن فرعون با رع اسطوره‌ای را همسو با آن شکل می‌داد که فرعون و همسرش را برنشسته بر زورق آسمانی یا زورق عازم به جهان جاویدان آبی‌دوس^۱ پس از مرگ نشان می‌داد که در آنجا باید به دیدار اوزیریس، خدای مرگ و زندگی، می‌شتافتند. فرعون یا درگذشتگان فرخنده و نژاده، پس از مومیایی شدن، سوار بر زورقی عازم آبی‌دوس می‌شدند [۲۰، ص ۱۲۷]. تصاویر بازمانده از فرعون و همسرش، که سوار بر زورق عازم آبی‌دوس بودند، الگویی از رع بود که خورشید جهان‌فروز را روزانه از شرق تا غرب به پیش می‌راند (تصویرهای ۴ و ۵).



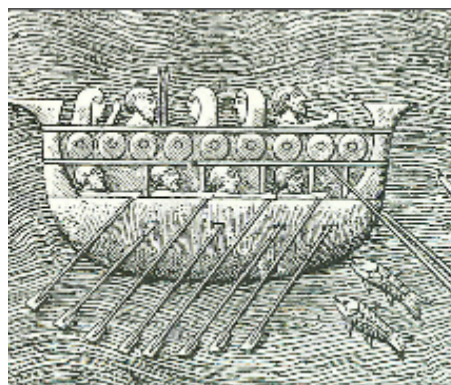
تصویر ۵. رع در حال انجام کار روزانه‌اش [۵۱]



تصویر ۴. فرعون و همسرش سوار بر زورقی به سوی شهر جاویدان آبی‌دوس [۲۰، ص ۱۲۷]



تصویر ۷. کشتی فینیقی به تقلید از زورق‌های مقدس مصری [۲۶]



تصویر ۶. کشتی فینیقی به تقلید از کشتی فرعون نخو [۲۵]

الگوهای ایزدبانو یا فرعون و ملکه سوار بر زورق خویش از مصریان به دیگر فرهنگ‌ها نیز منتقل شد و آن‌ها تصاویر مشابه با آن را روی سنگ‌ها حجاری می‌کردند. این تصاویر احتمالاً شهریار فینیقی را نشان می‌داد که در تمدن آن‌ها هم‌تراز با فرعون تلقی می‌شد (تصویرهای ۶ و ۷).

کتاب مقدس

داستان توفان در کتاب مقدس با اندک تغییراتی از مردمان میان‌رودان اخذ شده است. احتمال دارد که بنی‌اسرائیل این داستان را در دوران اسارت خود در بابل از آنان آموخته و وارد اسفار

مقدس خود کرده باشند. پژوهش‌گران پس از تطبیق روایت کلیمی توفان با روایت‌های پیش از آن، به این نتیجه رسیده‌اند که این اسطوره ریشه هویتی سومری- اکدی دارد [۲، ص ۳۷۱]. بنا به گفته مفسران کتاب مقدس، کشتی نوح به طول ۴۵۰ قدم و عرض ۷۵ قدم و ارتفاع ۴۵ قدم بوده است. این کشتی به این منظور ساخته نشده بود که مسیر خاصی را طی کند؛ بلکه طوری طراحی شده بود که بتواند با استفاده از فشار آب و باد روی آب روان شود. کشتی در سه طبقه ساخته شده بود و جنس آن از چوب جوفر و اندرون آن قیراندود شده بود تا مانع نفوذ آب شود. گفته می‌شود برای ساخت آن از ۱۰۰ تا ۱۲۰ سال وقت صرف شده است [۱۹، ص ۷۳۹].

نوح(ع) در اساطیر کتاب مقدس هفتمین خلف حضرت آدم(ع) شمرده می‌شود. او فردی پرهیزگار و راست‌کردار بوده است. در زمان او، مردم از راه الهی منحرف شده و به شرارت و کردارهای نادرست می‌پردازند. در نتیجه، همانند داستان سومری، خدا بر آن می‌شود که بشر گناهکار را عذاب کند و تنها نوح(ع) و خاندان وی از این عقوبت مستثنی می‌شوند. خدا به نوح(ع) می‌گوید که: من این مردم و چهارپایان را که آفریده‌ام نابود خواهم کرد، زیرا اینکه آن‌ها را آفریده‌ام متأسفم [۱۴، ص ۷]. تصمیم الهی ۱۲۰ سال پیش از آن به نوح(ع) ابلاغ می‌شود و وی در این مدت به هدایت مردم و فراخواندن آنان به دین خدا مشغول می‌شود؛ اما پس از ناکامی در جلب آنان، شروع به ساخت کشتی نجات می‌کند. خانواده‌اش را به همراه هفت عدد از حیوانات پاک و یک عدد از حیوانات ناپاک سوار بر کشتی می‌کند و پس از آن توفان آغاز می‌شود. توفان ۱۲۰ روز به طول می‌کشد و پس از آن کشتی بر فراز کوهی فرود می‌آید و زندگی دوباره از سر گرفته می‌شود [۱۹، ص ۸۹۶]. نقاشان قرون وسطا، که به آن عصر ایمان نیز گفته می‌شود، دلبستگی زیادی به کشیدن نقاشی‌هایی با موضوعات کتاب مقدس داشتند. کتاب مقدس با داستان روایت‌ها و اپیزودهای بسیار گوناگون منبع بی‌پایانی برای آن‌ها بود تا پرنده خیال خود را در آسمانش رها کنند. افزون بر این‌ها، باید روایات فرعی‌ای را هم در نظر گرفت که گرچه در متن کتاب مقدس نبودند، در کتب فرعی غیررسمی یهودی یا مسیحی وجود داشتند. موضوع غالب این نقاشی‌ها بر روایاتی متمرکز بود که آن‌ها را به برکناری از خشم و عذاب الهی توصیه می‌کرد و مزه ایمان و پرهیزگاری مسیحانه را به آن‌ها یادآور می‌شد. در واقع، این چیزی بود که به مذاق روحانیت مسیحی حاکم بر اروپا خوش می‌آمد. داستان نوح(ع) یکی از این روایات جالب توجه بود؛ مردمان قرون وسطا، که اکثریت آن‌ها را قشر بی‌سواد تشکیل می‌دادند، بهتر می‌توانستند از طریق تصاویر نقاشان با روایات و مواعظ کشیشیان ارتباط برقرار کنند. نقاشی‌های توفان نوح(ع) در این عصر فاقد جنبه‌ای واقع‌گرایانه یا رئالیستی بود و نقاش خود را ملزم به رعایت ابعاد کشتی، حضار و دیگر عناصر نمی‌کرد. ممکن بود تناسب و اندازه عناصر نقاشی اصلاً رعایت نشود، ولی آنچه در اغلب این تصاویر وجود داشت، یک کشتی، نوح(ع) و بانوی وی بود. مانند نقاشی‌های به‌جامانده از مصر باستان، بانوی کشتیبان در پشت

سر وی، آرام و موقر، نشسته و چشم بر افق دارد. برخی از این نقاشی‌ها به جای یک بانو، چند بانو را نشان می‌دهند که تفاوت زیادی بینشان دیده نمی‌شود. چنان‌که دیده می‌شود، این تصاویر متأثر از الگوی باستانی سومری، مصری و فینیقی بودند که گذار ایشتار، رع یا فرعون و همسرش را به جاودانگی نشان می‌دادند (تصویرهای ۸ تا ۱۳).



تصویر ۹. کشتی نوح در نگاره‌ای از نسخه مصور کتاب الهیات مسیحی [۳۴]



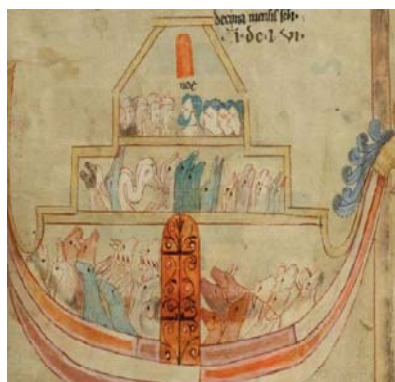
تصویر ۸. کشتی نوح در نگاره‌ای از نسخه مصور کتاب مقدس [۴۰]



تصویر ۱۱. نوح (ع) و خانواده‌اش در حال سوار شدن بر کشتی [۳۲]



تصویر ۱۰. نوح (ع) در حال سوار کردن حیوانات بر کشتی خود [۴۳]



تصویر ۱۳. کشتی نوح در صفحه‌ای از کتاب مقدس به زبان انگلیسی قدیم [۴۱]



تصویر ۱۲. کشتی نوح در صفحه‌ای از کتاب مذهبی فرانسوی [۳۳]

تصویر حضرت نوح(ع) و بانوی وی بر فراز کشتی که در حال انجام مأموریت الهی خود بودند نه تنها در داستان توفان، بلکه در میان نقاشی‌های مذهبی دیگر نیز کم‌وبیش رعایت می‌شد. سنت مهاجرت مقدس، که در بازگشت یهودیان از اسارت بابل، هجرت مسلمانان صدر اسلام و سنت گزاردن حج در میان یهودیان و مسلمانان وجود دارد، در میان مسیحیان قرون وسطا نیز اهمیت داشت. مهاجرت از سرزمینی به سرزمین دیگر برای حفظ ایمان، بازدید مذهبی از مولود عیسی در بیت‌المقدس و سرانجام مهاجرت به دنیای جدید امریکا و استرالیا، هر یک تعبیر و تفاسیر مذهبی داشتند که با کشمکش‌های موجود بین مذاهب عمده درون مسیحیت توجیه می‌یافت. یک نقاشی قرون وسطایی، که عبور تعدادی از گروه‌های صلیبی از تنگه بسفر در نزدیکی قسطنطنیه را به سمت ارض مقدس نشان می‌دهد، گرت‌برداری آشکار از نقاشی‌های توفان را نشان می‌دهد (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴. گذر عده‌ای از مؤمنان مسیحی از آب دریا [۴، ص ۲۰۹]

اسلام

بنابر آیات مبارکه قرآن مجید، حضرت نوح(ع) یکی از پیامبران اولوالعزم بوده است. مقام شامخ معنوی ایشان برای اولین بار در همین کتاب آسمانی آمده و در روایات کتاب مقدس و کتیبه‌های میان‌رودانی وی جز پیامبران قلمداد نمی‌شود. ارتقای منزلت روحانی نوح(ع) از یک قهرمان به مقام پیامبری را در آیات ۷۲ تا ۷۴ سوره مبارکه یونس می‌توان بازجست؛ آنجا که مخالفانش به وی اعتراض می‌کنند که تو هم شخصی عادی مانند دیگر افراد قوم هستی. هم در زمان اوست که نخستین بار عذاب فراگیر الهی بر نوع بشر فرود می‌آید. نام و ماجرای نوح(ع) در چندین موضع از قرآن کریم به چشم می‌خورد. در آیه ۳۵ از سوره مبارکه احقاف، به ایشان اشاره می‌شود و در آیه ۸۱ از سوره مبارکه صافات مقام وی تا حدی بالا می‌رود که پیامبری مانند حضرت ابراهیم(ع) شیعه و پیرو وی شمرده می‌شود. در چندین آیه از سوره مبارکه هود [آیات ۲۷، ۷۱ و ۱۰۷] از او با عنوان «ناصر مبین»، در آیه ۳ از سوره مبارکه بنی اسرائیل با عنوان «عبد شکور» و در آیه ۷ از سوره مبارکه احزاب از او به «میثاق گرفته‌شده» یاد می‌شود. همچنین، در آیه ۵۰ از سوره مبارکه هود وعده سلام و برکات الهی به وی نوید داده می‌شود.

به موجب روایت قرآن کریم، نوح(ع) پیامبر قومی است که از پرستش خدای یکتا روی گردان شده و فراخوان پیامبرشان را به پرستش الهی نادیده انگاشته و با وی معارضه می‌کنند. سرانجام، صبر الهی به پایان می‌رسد و عذابی سخت برایشان مقرر می‌شود. پیامبر خدا مأمور ساخت کشتی بزرگی می‌شود که گونه‌های جانوری را بتوان در آن جای داد. پس از مدتی، روز موعود فرامی‌رسد و توفان آغاز می‌شود. خیزش آب‌های سطحی زمین نخست از تنوری به چشم دیده می‌شود [۱، سوره مبارکه هود، آیه ۴۲؛ سوره مبارکه مؤمنون، آیه ۲۷]. نوح(ع) خاندان خود و مؤمنان و گونه‌های جانوری را از هر کدام یک نر و یک ماده سوار بر کشتی می‌کند؛ اما یکی از فرزندان وی نیز از اطاعت پدر سر باز می‌زند و به همراه سایر سرکشان گرفتار توفان می‌شود. پس از مدتی، آب‌ها فرومی‌نشینند و کشتی بر فراز کوه جدی بر زمین می‌نشیند و زندگی در زمینی پیراسته از گناه از سر گرفته می‌شود. عمر جاویدان نوح(ع) پس از توفان، که در متن سومری قید شده است، در قرآن مجید به ۹۵۰ سال تخفیف یافته است [۱، سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۱۴]. اما، همین هم یادآور برخورداری وی از عمر دراز و سعادت دنیوی است که در روایات پیش از آن ذکر شده است.

داستان نوح(ع)، با اینکه در میان ملل باستانی اسطوره‌ای فراگیر بوده، در میان اعراب جاهلی موضوعی ناشناخته بوده است [۱، سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۱]. گفته می‌شود با روایت بنی اسرائیلی موجود در اسفار آگادا همخوانی دارد [۷، ص ۶۴۵]. پیامبری نوح(ع) و نجات پرهیزگاران بخش‌هایی از اسطوره توفان بودند که پیش از قرآن در سایر منابع نیامده بود [۵، ص ۴۵]. بدین شرح، باید نوح(ع) را پیامبر(ص) و شخصیتی اسلامی بدانیم؛ از این رو که فقط در

دین اسلام است که جایگاه پیامبری برای وی قائل شده است. اگرچه بن‌مایه‌های اصل داستان و شمایل‌های نوح(ع) را در جهان پیش و خارج از اسلام می‌بینیم، اما نکته بسیار مهمی که در تصویرنگاری و شمایل‌نگاری حضرت نوح(ع) در عالم اسلام باید توجه داشت این است که برخلاف خاندان اغلب پیامبران، زن حضرت نوح(ع) به همراه زن حضرت لوط(ع) اشخاص خوش‌نامی در سنت اسلامی نیستند. بنابراین، نقاشان مسلمان تصویر بانوی نشسته بر کشتی را بدون تطبیق کامل با متون مقدس اسلامی و با الگوبرداری از نمونه‌های بیزانسی و مسیحی نقاشی می‌کردند.

بانوی حضرت نوح(ع) در قرآن کریم به خیانت به همسر خویش متهم شده است. نام همسر حضرت نوح(ع) «والهه» و اسم همسر حضرت لوط(ع) «والعه» بوده است و بعضی عکس این را نوشته‌اند؛ یعنی نام همسر نوح(ع) را «والعه» و همسر لوط(ع) را «والهه» یا «واهل» گفته‌اند. عمل خیانت این دو زن صریحاً در قرآن کریم سوره مبارکه تحریم بیان شده است: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتُ نُوحٍ وَامْرَأَتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ»^۱. خدا درباره کافران مثلی زده: زن نوح(ع) و زن لوط(ع) زیر [قید زناشویی] دو بنده از بندگان شایسته ما بودند که خیانتشان کردند و [شوهرانشان] در قبال خدا کاری برایشان نساختند و گفته شد با درون‌روندگان به آتش درون شوید. به گفته مفسران، خیانت این دو بدان معنای رایج که امروزه در حوزه اخلاق جنسی عنوان می‌شود نبوده است؛ بنا به گفته نویسنده تفسیر نمونه، به‌رحال این دو زن به این دو پیامبر بزرگ خیانت کردند، البته خیانت آن‌ها هرگز انحراف از جاده عفت نبود، زیرا هرگز همسر هیچ پیامبری آلوده به بی‌عفتی نشده است؛ چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) صریحاً آمده است: «ما بغت امرأة نبی قط»؛ به این معنا که همسر هیچ پیامبری هرگز آلوده عمل منافی عفت نشد. خیانت همسر لوط(ع) این بود که با دشمنان آن پیامبر(ع) همکاری می‌کرد و اسرار خانه او را به دشمن می‌سپرد و همسر نوح(ع) نیز چنین بود.

نویسنده تفسیر، از قول راغب در مفردات می‌افزاید: خیانت و نفاق یک حقیقت است؛ جز اینکه خیانت در مقابل عهد و امانت گفته می‌شود و نفاق در مسائل دینی. تناسب این داستان با داستان افشای اسرار خانه پیامبر(ص) نیز ایجاب می‌کند که منظور از خیانت همین باشد [۱۶، ص ۳۰۲]. احتمالاً مسئله خبرچینی این بانو یا ایزدبانو در روایت‌های قبلی توفان نیز مطرح بوده و به تواتر به کتاب آسمانی مسلمانان رسیده است. خبرچینی و خیانت وی در اسلام از لحاظ فقهی و کلامی نیازمند توضیح و تفسیر بوده و لذا برخی از مفسران بدان توجه کرده‌اند. ملا فتح‌الله کاشانی از مفسران قرن دهم در تفسیر فارسی چنین گوید: «پس خیانت کردند به آن دو بنده به نفاق یا کفر یا نیمه، نه

زنا؛ زیرا که جمیع زوجات انبیا(ع) از این مبرا بودند. چنان‌که از ابن عباس مروی است که (ما بغت امرأة من نبی قط) و در روایت صحیح‌ه آمده که زن نوح(ع) علی نبینا(ع) قوم را گفتی که نوح(ع) دیوانه است و احوال او را من بهتر می‌دانم که دائم با اویم و زن لوط(ع) قوم را از مهمانان لوط(ع) خبر کردی تا مهمانان را رنجه کردند و کسی که به وی ایمان آوردی به جباریه قوم اخبار کردی تا وی را بگرفتندی و بکشتندی» [۱۳، ص ۳۴۴]. و باز، نویسنده تفسیر نمونه در این باره می‌افزاید: در بعضی از منابع آمده که وقتی فرشتگان (در صورت جوانان زیبا) به خانه حضرت لوط(ع) درآمدند، ایشان از دیدن آنان با آن شکل و صورت ناراحت، دلتنگ و پریشان شد و گفت: امروز روز دردناکی خواهد بود. وقتی همسر لوط(ع) جوانانی با آن قیافه خوش ترکیب و شکل زیبا دید که در خانه آنان پناه گرفته‌اند، به پشت بام خانه رفت و دست‌ها را به هم زد و علامت داد تا قوم را باخبر کنند؛ ولی چون کسی متوجه نشد، آتشی افروخت تا بدین وسیله قوم بدانند که جوانانی به خانه لوط(ع) آمده‌اند! این عادت ناپسند همسر لوط(ع) بود که هر وقت جوانانی وارد شهر می‌شدند و از بیم آبروی خود به خانه لوط(ع) پناه می‌بردند، او بدان گونه که اشاره شد قوم را آگاه می‌ساخت. به دنبال آن، مردم بی‌بندوبار و فاسد به طرف خانه لوط(ع) سرازیر می‌شدند و چه وضع ناگواری که پیش نمی‌آمد؟ در این موقع نیز، زن لوط(ع) با افروختن آتش قوم را مطلع ساخت و مردم تبهکار و بی‌آبرو از هر سو روی به خانه لوط(ع) نهادند. از حضرت امام جعفر صادق(ع) پرسیدند مگر زنان پیغمبران هم ممکن است خیانتکار باشند که خدا در قرآن می‌فرماید: «به شوهرانشان خیانت کردند»؟ حضرت فرمود: نه، خیانت به آن معنا نیست که در نظر شماست. خیانت آنان این بود که همسر خوبی برای شوهران خود نبودند و اسرار خانه را به خارج می‌بردند و هم‌رنگ جماعت شده بودند. اکثر مفسران بر آن‌اند که خیانت همسران لوط(ع) و نوح(ع) این بود که با دشمنان آن پیامبران همکاری می‌کردند و اسرار خانه آن‌ها را به دشمن می‌رساندند [۱۶، ص ۳۰۱]. همین تصور از بانوی درون‌کشتی، ما را کمک می‌کند که شخصیت او را توارث نقش‌مایه انا^۱ بدانیم. حضور بانویی که موقر در کشتی نشسته و با اتهام خبرچینی توصیف شده است، در وهله اول یادآور تصویر سومری ایزدبانو در کشتی اوت‌نپیش تیم است که مخفیانه خبر توفان را از خدایان به قهرمان سومری رسانده بود [۱۰، ص ۷۱]. هویت دقیق زن نوح(ع) همیشه در هاله‌ای از ابهام بوده است. با اینکه در کتاب مقدس و حتی الواح میان‌رودانی جزئیات نسبتاً دقیقی از ساخت کشتی ارائه می‌شود، درباره این بانو توضیح کافی داده نمی‌شود. همین ابهام موجب خیال‌پردازی و داستان‌سرایی‌های گوناگونی شده است؛ به طوری که یکی از پژوهش‌گران ۱۰۳ نام از وی را از خلال متون مذهبی، عرفانی و کلاسیک استخراج کرده است [۲۳، ص ۴۲۶]. اختلاف نظر در نام زن یا زنان نشسته بر کشتی در مورد زنان پسران نوح(ع) نیز وجود دارد. در متون گوناگون، نام‌های آنان به صورت‌های مختلفی ثبت شده است (جدول ۱).

۱. ایزد Ea نام اکدی ایزد سومری انکی (Enki) است که خدای اقیانوس شمرده می‌شود [۱۰، ص ۲۵۲].

جدول ۱. نام زنان نشسته بر کشتی نوح(ع)

زن یافت	زن حام	زن سام	زن نوح(ع)	منبع
'Adataneses	Ne'elatama'uk/ Na'eltama'uk	Sedeqetelebab	Emzara	Jubilees of Book
Arathka	Nabu Zedkat	Nahalath Mahnuk	-	Hippolytus
-	-	Leah	Haikal	al-Magall Kitab
-	-	-	Haikal	Adam of Conflict Satan with Eve and
-	-	-	Barthenos	Panarion
-	-	-	Nemzar/ Noyemzar/ Noyanzar	tradition Armenian
Arisisah	Nahlat	Salit	Haykêl	of Eutychius Alexandria
Aresisia	Nahalath	Zalith/ Zalbeth/ Salit	-	Gill John
Serac	Sare	Nora	Set	Inventiones Nominum and Rabba Genesis
-	-	-	Naamah	Rashi
Arbasisah	Nahlab	Şalib	Amzurah	ibn Muhammad al-Tabari Jarir
-	-	-	Percoba	Junius Codex
Catafluvia	Jaitarecta	-	Dalila	and Solomon Saturn
Aurca	Latelecta	Cateslinna	Dalida	15th-century catechism
Chasta Cata	Flauia Cata	Rechta Cata	-	Gabala Lebor
Fliva	Cataflua	Pharphia	Phuarpara	Comestor Petrus
Fura	Cataphua	Parsia	Phiapphara/ Sphiarphara	Ælfric's Heptateuch
-	-	-	Puarphara	English Middle Genesis illustrated
-	-	-	Nuraita/ Nhuraita/ Anhuraita	Mandæism
-	-	-	Norea	literature Gnostic
and Ollina, Olla, Ollivani/ and Olliva, Olla, Olybana and Olina, Ollia, Ollibana/	-	-	-	and Irish Various sources English
Eneh	-	-	-	Krónika Képes
Noegla	Noela	Pandora	Tytea	Viterbo/ da Annio Rodriguez Gaspar Bernardino S. de
Arca Eliua/ Noegla/ Afia Funda/ Funda	Cataflua Cataflua Noala/ Cataflua	Parphia Pandora Persia Prusia/	Phuarphara Magna Titea Vesta	Rodriguez Gaspar Bernardino S. de Southey Robert de Sarmiento Pedro Gamboa

بدین گونه ملاحظه می‌شود که شخصیت بانوی نشسته بر کشتی در نگاره‌های اسلامی از سنت یا روایات مذهبی متأثر نبود و نقاشان مسلمان در تصویرگری این بانو به تسلسلی از نگاره‌های مسیحی توجه داشتند که آن نیز خود وامدار سنت مصری و میان‌رودانی بود (تصویرهای ۱۵ تا ۲۵). سنت نقاشی بانویی بر کشتی از داستان توفان فراتر رفته و در سایر موضوعات و روایات نیز رعایت می‌شد؛ و شگفت آنکه در نقاشی‌های یادشده گاه جوانکی زیباروی و شاهدهی زیبا جای آن بانو را پر کرده بود (تصویرهای ۲۲ تا ۲۴). نگارگران مسلمان بی‌آنکه به اصل داستان توفان در روایات اسلامی مراجعه کنند، حضور یک زیباروی را در قسمت جلویی عرشه کشتی یا بخش جلویی قایق عنصری ضروری و قراردادی تصور و تصویر می‌کردند. البته وجود چنین قراردادهای نانوخته پیوسته در میان نگارگران وجود داشته است. از آن جمله می‌توان به ترسیم «درخت زندگی و دو دل‌داده یا دو موجود زنده بر سایه‌سار آن»، «تقارن در ترسیم اسب‌های روبه‌روی هم»، «بانوی قلعه‌نشین و قهرمان نظاره‌گر» و امثال آن اشاره کرد که از هزاران سال پیش تاکنون با کم‌وبیش تغییراتی ترسیم می‌شده‌اند.

در جهان تشیع، از الگوی کشتی نوح(ع) برای موضوعات درون‌مذهبی نیز سود جسته می‌شد. در آیه ۷۳ از سوره مبارکه یونس، اشاره‌ای به داستان توفان نوح(ع) و بازماندگان پرهیزگار کشتی نجات شده است: «پس او را دروِغگو شمردند که او و یارانش را در کشتی رهانیدیم و آن‌ها را جان‌نشینان کردیم و کسانی را که آیات ما را دروغ شمرده بودند، غرق کردیم، بنگر سرانجام کار بیم‌یافتگان چه‌سان بود.» حدیثی از پیامبر اسلام(ص) در ذیل و تفسیر این آیه مبارکه وجود دارد که گوید: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوْحٍ (ع)، مَنْ دَخَلَهَا نَجَى، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ: مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ فِي بَيْنِ شِمَا كَشْتِي نُوْحٍ (ع) است. هر کس به این کشتی داخل شود، نجات می‌یابد و هر کس جا بماند، غرق می‌شود» [۱۸، ص ۱۱]. به موجب این حدیث شریف، هنرمندان شیعی نگاره‌ها و نقاشی‌هایی براساس الگوی کشتی نوح(ع) آفریدند؛ که در آن‌ها خاندان اهل نبوت را سوار بر سفینه نجات بر فراز امواج پریشان دریا نشان می‌داد و حضرت فاطمه(س)، یگانه دخت پرهیزگار حضرت محمد(ص)، جایگزین الگوی قدیمی بانوی نشسته بر کشتی شده بود (تصویرهای ۲۶ و ۲۹). بدین ترتیب، سنتی از یک کهن‌الگوی قدیمی، که از سرآغاز تمدن در میان‌رودان آغاز شده بود، به صور گوناگون و موضوعات متفاوت در کنار اسطوره اصلی توفان و مستقل از آن تا روزگار ما امتداد پیدا می‌کند.



تصویر ۱۶. خضر و موسی، قصص الانبیاء،
کتابخانه ملی فرانسه، ۱۵۹۵م [۳۷]



تصویر ۱۵. المقامات الحریریة، کتابخانه ملی فرانسه، قرن
۱۵م [۳۶]



تصویر ۱۸. نوح(ع) و اصحابش قصص الانبیاء،
دانشگاه هاروارد، قرن ۱۷م [۳۱]



تصویر ۱۷. خضر و موسی(ع)، قصص الانبیاء، کتابخانه
ملی فرانسه، ۱۵۹۵م [۳۸]



تصویر ۲۰. نوح (ع)، روضة الصفا، کتابخانه ملی
فرانسه قرن ۱۷ م [۳۹]



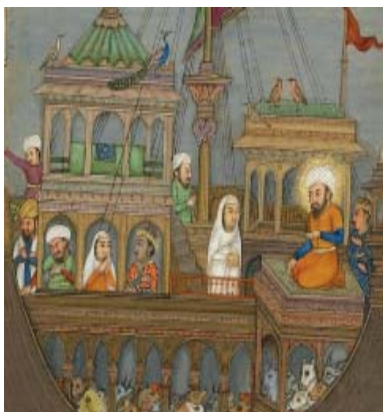
تصویر ۱۹. صوفی سجاده نشین روی آب، بوستان
سعدی، قرن ۱۷ م [۴۶]



تصویر ۲۲. نوح (ع) و اصحابش قصص الانبیا،
کتابخانه برلین، ۱۵۰۰-۱۶۰۰ م [۴۹]



تصویر ۲۱. نوح (ع) و اصحابش، جامع التواریخ، تیموری
۱۴۰۵-۱۴۴۷ م [۲۷]



تصویر ۲۴. نوح(ع) و سرنشینان آن، هند
دوره مغول، قرن ۱۷ م [۲۴]



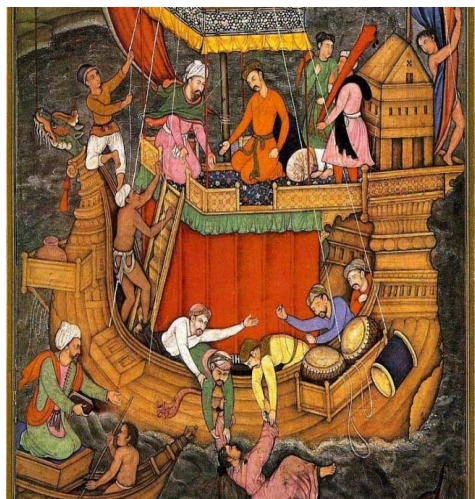
تصویر ۲۳. نوح(ع) و سرنشینان آن، قصص الانبیا،
کتابخانه عمومی نیویورک، قرن ۱۷ م [۲۸]



تصویر ۲۶. کشتی نجات، نگاره‌ای از شاهنامه
فردوسی، کتابخانه بریتانیا، ۱۵۳۶ م [۳۰]



تصویر ۲۵. تاج التواریخ (ترکی)، کتابخانه ملی فرانسه
[۳۵]



تصویر ۲۷. نگاره‌ای از یک نسخه «عیار دانش»، هند. تصویر ۲۸. نوح(ع) و یاران خود روی کشتی، از یک نسخه عثمانی [۴۲]

۱۵۹۶-۱۵۹۷ م [۴۵]

بسیاری از نگاره‌های بازمانده از داستان نوح(ع)، که ما در خلال قصص پیامبران و حکایات اولیا از میراث معنوی شرق نزدیک، اعم از ایران، عثمانی یا هند می‌بینیم، از یک الگوی واحد در ترسیم موضوع اصلی برانگیخته بودند. آنان بانویی را نقاشی می‌کردند که در نقطه‌ای کانونی نشسته است و از حادثه جهانگیر توفان نجات پیدا کرده است. با توصیفی که از زن نوح در اسلام وجود داشت، بعید می‌نماید که منظور آنان همسر این پیامبر باشد؛ چه اینکه در برخی تصاویر جای این زن را یک جوانک زیباروی یا شاهدهی قدسی اشغال کرده است (تصویر ۱۹). الگوی مورد نظر از دایره قصص انبیا پای فراتر نهاده و در دیگر تصاویری که مصائب دریانوردان و توفان‌های دریایی را نشان می‌دهد نیز رعایت می‌شد. اگرچه هنر سنگ‌تراشی در شرق جای خود را به نقاشی سپرد و آن هم به تناوب دچار تحول و تکامل و ظریف‌کاری‌های فراوان شد، هنرمند شرقی میراث‌دار روح هنری واحد و وفاداری به تجاربی بود که از گذشته‌های دور برای وی به یادگار مانده بود.



تصویر ۲۹. کشتی نجات، نمونه‌ای از هنر شیعی معاصر [۵۱]

نتیجه‌گیری

اسطوره توفان، به‌مثابه یکی از اساطیر قدیمی و گسترده بشری، از کهن‌ترین منابع مکتوب بشری تا امروزه، با اندک تغییراتی، ادامه پیدا کرده و ادیانی که پس از اولین روایت کتبی اسطوره در جهان پدیدار شدند، آن را به اشکال مختلف تأیید کردند. اسلام نیز، به‌مثابه آخرین دین ابراهیمی، این اسطوره را تأیید و با اندک تغییراتی آن را به‌منزله عطفی بزرگ در تاریخ مذهبی بشر معرفی کرد. در کنار شکل کتبی و روایی اسطوره، سنتی از تصویرگری ماجرای اصلی رشد پیدا کرد که از میان‌رودان به مصر و از آنجا به فینیقیان و مسیحیان رسیده و سپس به جهان اسلام نیز وارد شد.

این سنت متضمن پاره‌ای الگوهای ذهنی بود که بارزترین آن‌ها را می‌توان در وجود بانویی (یا برخی موارد بانوانی) در میان مسافران کشتی دید. این کهن‌الگو اگرچه در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف با روایات محلی مربوطه تطبیق داده می‌شد، مستقل از روایت اصلی نیز بود و حضور خود را حفظ می‌کرد. در روان‌شناسی تحلیلی یونگ، مسئله‌ای بسیار اساسی وجود دارد که از آن به نام کهن‌الگو یا سرنمون^۱ یاد می‌شود. روان‌شناسی یونگ کهن‌الگوها را بازتابی از استعداد بالقوه انسان به انگیزه‌های بیرونی در رؤیایها یا آفرینش‌های هنری می‌شناسد. این کهن‌الگوها، اشکال زمان‌های دیرین و سنخ‌های باستانی هستند که از دوران بسیار دیرین در ذهن انسانی وجود داشته‌اند. با این حال، به نظر یونگ این بدان معنا نیست که این اشکال فقط با گذشته مرتبط‌اند؛ بلکه این تصاویر به‌ویژه به دلیل آنکه محتوای ناخودآگاه جمعی انسانی را شکل

1. Archetype

می‌بخشند، برون‌نمایی‌های ماهیت ساختاری خود روان محسوب می‌شوند. بنابراین، تجلی قشر زیرین و جمعی روان انسان بوده و میان همه انسان‌ها نیز مشترک‌اند.

در جهان اسلام، بانوی حضرت نوح(ع)، به موجب آیاتی از قرآن مجید، شخصیتی نکوهیده داشت و از پرهیزگاران شمرده نمی‌شد؛ اما اولین بار هم در قرآن کریم بود که نجات‌یافتگان کشتی در زمرة پرهیزگاران و خداپرستان شمرده شده و خود نوح(ع) جزء انبیای الهی یاد شده بود. پس شکی باقی نمی‌ماند که نگاره‌های توفان جهانگیر و ساکنان کشتی از روی نقاشی‌های مشابه در جهان مسیحیت الگو گرفته باشند. نقاشی‌های هنرمندان مسیحی هم، به صورت زنجیروار، تحت تأثیر هنر فینیقی و مصری و میان‌رودانی بودند. این سلسله، گویای میراثی معنوی از کهن‌ترین زمان‌های تاریخ بشری تا عصر حاضر بود که از میان‌رودان تا جهان تشیع معاصر ادامه پیدا کرده و در هر دوره‌ای بر بالندگی و تنوع آن افزوده شده بود.

کهن‌الگو یا سنت واحدی که ما در بازشناسی نگاره‌های کشتی نوح(ع) بدان پرداختیم، میراثی از فرهنگ دیرینه شرق است که به همراه روایت شفاهی یا نوشتاری آن به گونه‌های مختلف در اطراف و اکناف عالم پراکنده شد. این سنت بن‌مایه تنومند ایرانی-اسلامی داشت و هنرمندانی که در پرتو این فرهنگ درخشیده‌اند، در تداوم، بالندگی و گسترش آن نقشی مهم ایفا کرده‌اند. بسیار آشکار است که نگارگری شرقی و ام‌دار فرهنگ ایرانی-اسلامی است و موضوعات مذهبی و قرآنی یکی از مشغله‌ها و بلکه ملکه‌های ذهن آنان را تشکیل می‌داده است؛ از آنجاست که ما نگاره‌های فراوانی را از موضوع توفان نوح(ع) می‌بینیم که یا به دست این هنرمندان آفرید شده‌اند یا اینکه به پیروی از روش‌های هنری آنان آفریده شده است. از این منظر، بازکاوی موتیف بانوی نشسته بر کشتی می‌تواند ضمن ردیابی تقلید و ابتکار در هنر آنان، در شناخت روحیات هنرمندان نیز کارگر باشد.

منابع

- [۱] قرآن کریم (۱۳۸۴). ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: گوتنبرگ.
- [۲] آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۶۸). تحقیقی در دین یهود، تهران: نگارش.
- [۳] ایونس، ورنیکا (۱۳۷۵). اساطیر مصر، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- [۴] بی‌بار، آن ماری (۱۳۹۴). *دائرةالمعارف مصور مسیحیت*، ترجمه حبیب بشیرپور، تهران: سایان.
- [۵] بیومی مهران، محمد؛ راستگو، سیدمحمد (۱۳۸۳). *بررسی تاریخی قصص قرآن*، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۶] پالمر، مایکل (۱۳۸۵). *فروید، یونگ و دین*، ترجمه دهگان پور و غلام‌رضا محمدی، تهران: رشد.
- [۷] خزائلی، محمد (۲۵۳۵). *اعلام قرآن*، تهران: امیرکبیر.
- [۸] دارمستتر، ژام (۱۳۸۸). *مجموعه قوانین زردشت یا وندیداد اوستا*، ترجمه دکتر موسی جوان، تهران: دنیای کتاب.

- [۹] دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۳۷). *تاریخ تمدن* (مشرق زمین)، ترجمه احمد آرام، ج ۱، تهران: فرانکلین.
- [۱۰] ساندروز، نانسی کی (۱۳۸۹). *بهشت و دوزخ در اساطیر بین‌النهرین*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: قطره.
- [۱۱] شالیان، ژرار (۱۳۸۵). *گنجینه حماسه‌های جهان*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: چشمه.
- [۱۲] فروید، زیگموند (۱۳۴۸). *موسی و یکتاپرستی*، ترجمه قاسم خاتمی، تهران: پیروز.
- [۱۳] کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۳۷۸). *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، با مقدمه و پاورقی ابوالحسن شعرانی، به تصحیح علی‌اکبر غفاری، ج ۹، تهران: اسلامیه.
- [۱۴] کتاب مقدس (۲۰۰۷). استانبول: بی‌نا.
- [۱۵] گریمال، پیر (۲۵۳۶). *فرهنگ اساطیر یونان و روم*، ترجمه احمد بهمنش، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- [۱۶] مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، ج ۲۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۷] مک‌کال، هنریتا (۱۳۷۳). *اسطوره‌های بین‌النهرینی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- [۱۸] نجفی اصفهانی، محمدتقی آقا (۱۳۷۲). *عیون أخبار الرضا*، ترجمه علی‌اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، ج ۲، تهران: علمیه اسلامیه.
- [۱۹] هاکس، جیمز (۱۳۴۹). *قاموس کتاب مقدس*، تهران: طهوری.
- [۲۰] هردمن، شارلوت؛ استیل، فیلیپ؛ تامس، ریچارد (۱۳۸۸). *تاریخ مصور جهان باستان*، ترجمه تبسم آتشین‌جان، تهران: نی.
- [۲۱] هینلز، جان (۱۳۷۵). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران: چشمه.
- [22] Kramer, Samuel Noah (1963). *The Sumerian, thier history, Culture and Character*. The university of chicago press: chicago & London
- [23] Francis Lee Utley, "The One Hundred and Three Names of Noah's Wife," *Speculum* 16 (1941): PP 426-52.
- [24] <http://www.ajspeelman.com/details.php?sid=496> (Retrived: May, 19. 2017).
- [25] <http://www.alamy.com/stock-photo-a-phoenician-cargo-ship-similar-ships-were-used-by-the-pharaoh-necho-57356154.html> (Retrived: Oct. 29, 2017).
- [26] <http://www.alamy.com/stock-photo-traffic-transport-ancient-world-phoenician-warship-circa-500-bc-wood-28127543.html> (Retrived: Oct, 29. 2017).
- [27] <https://www.davidmus.dk/en/collections/islamic/materials/miniatures/art/8-2005>(Retrived: May, 19. 2017).
- [28] <https://digitalcollections.nysl.org/items/5e66b3e8-6bc7-d471-e040-e00a180654d7>(Retrived: May, 19. 2017).
- [29] https://en.m.wikipedia.org/wiki/Wives_ aboard_Noah/27s_Ark(Retrived: May, 10. 2017).
- [30] <http://www.fitzmuseum.cam.ac.uk/gallery/shahnameh/vgallery/section1905b.html?p=2> (Retrived: May,9, 2017).
- [31] <https://www.harvardartmuseums.org/collections/object/146291> (Retrived: Oct. 29. 2017).
- [32] <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b105325870/fl.planchecontact.r=> (Retrived: May, 07. 2017).

- [33] <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b52000962r/f14.zoom.r=du%20Monde> (Retrived: Oct, 29. 2017).
- [34] [http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b60005702/f13.zoom.r=Froissart%20\(Jean\)](http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b60005702/f13.zoom.r=Froissart%20(Jean)) (Retrived: Oct, 15. 2017).
- [35] <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b8414992x/f444.thumbnail> (Retrived: Oct, 15. 2017).
- [36] <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b8422965p> (Retrived: May, 19. 2017)
- [37] <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b84271768/f50.thumbnail> (Retrived: Oct, 15. 2017).
- [38] <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b84271768/f213.item.r=Qisas> (Retrived: Oct, 15. 2017).
- [39] <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b84322570/f56.thumbnail> (Retrived: Oct, 15. 2017).
- [40] <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b8455902x/f29.zoom.r=Bible%20historiale> (Retrived: Oct, 17. 2017).
- [41] <https://gorbutovich.livejournal.com/110593.html> (Retrived: Oct, 14. 2017).
- [42] <http://www.guidemartine.com/easternanatolia2> (Retrived: May, 19. 2017).
- [43] <https://journals.openedition.org/mefrm/2254> (Retrived: Oct, 22. 2017).
- [44] <https://lookinnotout.wordpress.com/solar-barges/> (Retrived: Nov. 10, 2017).
- [45] http://pinterest.com/pin/257620041156511424/?source_app=android (Retrived: May, 19. 2017).
- [46] http://pinterest.com/pin/512988213797465157/?source_app=android (Retrived: May, 19. 2017).
- [47] http://pinterest.com/pin/763852786769922610/?source_app=android (Retrived: Nov. 10, 2017).
- [48] http://pinterest.com/pin/791085490767043611/?source_app=android (Retrived: oct. 29, 2017).
- [49] <https://resolver.staatsbibliothek-berlin.de> (Retrived: May, 19. 2017).
- [50] <http://3noghthea.blog.ir/1392/06/07/18-> (Retrived: May, 19. 2017).
- [51] <http://www.truthbeknown.com/noah.htm> (Retrived: Nov. 10, 2017).